

بخت خوب کرش



لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های ایران می‌تواند حامی تیم ملی باشد...

لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های ایران می‌تواند حامی تیم ملی باشد بخت خوب کرش

جام جم آنلاین: تقدیر چنین بود که تیم ملی فوتبال ایران بر حسب قرعه با حریفانی کم‌آوازه و در کلاس دوم و سوم آسیا روبه‌رو شود تا در دور سوم رقابت‌های مقدماتی جام جهانی 2014 برزیل حریفی سرسخت و قدر را برابر خود نبیند. از قطر و بحرین اگرچه یکی دو بار در نبردهای آسیایی گذشته دیدهایم و بحرین حتی مسیر فوتبال را به مرحله پایانی جام جهانی 2002 مسدود کرد، اما حرف و حدیث‌های بسیار شنیده شد که این شکست غیرمنتظره و غیرطبیعی را بسیار کمرنگ جلوه داد و تا مدت‌ها مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت تا دلیل اشتباه کادر فنی فوتبال ایران بررسی شود.

بجز این حادثه غمبار که تیم عربستان سعودی را به جای ایران به مرحله نهایی جام جهانی مشترک ژاپن - کره جنوبی فرستاد، در تاریخ فوتبال قاره کهن، کمتر اتفاق افتاده است که این دو تیم عربی مشکل خاصی برای فوتبال ایران به وجود آورند. دیگر حریف ایران در گروه پنجم آسیا اندونزی است که با توجه به پیشرفت‌های نسبی‌اش در سال‌های اخیر و خروج از دوران طولانی تاریکش در شرق آسیا هنوز زیر سایه ژاپن، کره جنوبی، کره شمالی و حتی تایلند و چین بیرون نیامده و قد بلند نکرده است.

با این باور از قدرت تقریباً شناخته شده حریفان ایران در مرحله سوم رقابت‌های مقدماتی جام جهانی برزیل می‌پنداریم مسیر فوتبال ایران برای رسیدن به دور نهایی آسان‌تر از هر دوره دیگری است و جای هیچ ایراد و بهانه‌ای نیست تا کرش و تیمی که در اختیار دارد در گذر از این معبر، کوتاهی و سستی نشان دهند و مردم فوتبال‌دوست ایران را که مدتی است از تیم ملی و حتی لیگ برتر روی برتافته‌اند، با میادین مسابقه‌های ملی و باشگاهی، آشتی ندهند. خوشبختانه این اتفاق خوش سبب می‌شود حالا که تیم ملی تا روز 15 شهریور و نخستین نبرد گروهی‌اش با اندونزی، هیچ بازی تدارکاتی در برنامه ندارد، از دغدغه‌هایی که از این بابت متصور می‌شد، خلاصی یابد و علاوه بر اردویی که سرمربی پرتغالی فوتبال ایران در نظر گرفته است، به شروع لیگ برتر و چند هفته‌ای که پشت سر می‌گذارد، تکیه کند.

مشکل گلزنی

متأسفانه پس از جدایی علی دایی و کریم باقری از تیم ملی هنوز هیچ‌یک از مهاجمان فوتبال ایران نتوانسته‌اند جای مطمئنی در خط حمله پیدا کنند و این مشکل نگران‌کننده که حتی در تیم‌های باشگاهی به‌وضوح دیده می‌شود مثل یک ارثیه شوم با سطح تیم ملی منتفی کند. خودنمایی بازیکنان خارجی همچون عماد رضا، حواری محمد، ادینیو، توره، کرار و گاهی خلعتبری که در عمل یک هافبک بازی‌ساز و فرصت‌آفرین است، چنان دست تیم ملی و کرش را خالی گذاشته است که اینک در نوبت حمله همه امیدهایمان را به یک بازیکن جوان بسته‌ایم و همه فشارها را بردوش او قرار داده‌ایم؛ انصاری‌فر جوان که در بازی اول با مالدیو، شانس‌های فراوانی را از دست داد و در بازی دوم با همین تیم کم‌ادعا، اسیر یک مدافع سمج و یارگیری فشرده او شد، اگر چه آینده روشنی در پیش دارد، اما با آن اندام کشیده‌اش از قدرت سرزنی برخوردار نیست و در جریان بازی نمی‌تواند از ارسال‌های هوایی حیدری یا نوروزی و دیگران استفاده کند.

این مشکل و ضعف دردآور در فوتبال ما که ریشه در بی‌توجهی به فوتبال پایه و کلاسیک دارد و اغلب استعداد‌های ذاتی ما در این ورزش را «خودرو» بار می‌آورد، نه‌تنها عمر مفید فوتبال جوانان ما را کوتاه می‌کند بلکه آنها را در لیگ برتر باشگاهی و تیم ملی هم تاکتیک‌ناپذیر می‌کند که در هر دو مورد تیم ملی ایران در عرصه بین‌المللی زبان‌های جبران‌ناپذیری می‌بیند. غیبت طولانی و 36 ساله تیم المپیک از این بازی‌ها و ناتوانی و دلشوره‌های تیم ملی در مسابقه‌های آسیایی و بین‌المللی را باید در همین بی‌توجهی‌ها جستجو کرد.

نکته: کرش می‌تواند با تدابیری تازه و همنشینی با مربیان لیگ، دست یاری به سوی آنان دراز کند و از آنان بخواهد ترتیبی اتخاذ کنند که ملی‌پوشان خود را در همان پست ثابت تیم ملی به کار گیرند
برای بررسی عمیق‌تر به همین 2 بازی اخیر با تیم مالدیو، اشاره مختصری داریم. در تهران و در بازی نخست به اندازه یک دوچین فرصت‌های گل داشتیم که هر یک از مهاجمین که خود را به دروازه حریف نزدیک کرده بودند، آنها را از دست دادند. غیبت چند بازیکن ملی‌پوش پیشین که هنوز هم توانایی و شانس بازی دارند و حضور بازیکنان جوانتری که جایگزین شده بودند، انضباط و نظم تیم را

چنان در هم ریخته بود که نه پاس‌های آخر سالم بود و نه بازیکن تمام‌کننده جای مناسب داشت و منتظر چنین پاس‌هایی بود.

در بازی دوم در شهر ماله که گمان می‌رفت تدابیر کرش و تمرینات مناسب برای گلزنی این مشکل را تا حدی حل کرده باشد، دیدیم که تیم نه تنها قادر به پیاده کردن دستورات کرش نبود و خلق موقعیت گل به کمترین رسید، حتی اگر خلعتبری تیزچنگی نشان نمی‌داد و هنرنمایی نمی‌کرد، تیم ایران دست خالی برمی‌گشت.

ظاهراً کادر فنی تیم ملی این‌طور پیش‌بینی کرده بود که مربی آرژانتینی مالدیو در بازی خانگی از شاگردانش می‌خواهد دست به کار خطرناکی بزنند و پرتعدادتر به دروازه ایران حمله کنند. چاره مقابله با چنین تاکتیکی ارسال توپ‌های بلند و سریع به مهاجمان و بازیکنانی بود که با جایگیری در فضاهای خالی زمین حریف برای ضدحمله کمین کرده‌اند. اما مالدیوی‌ها که چشمشان از بازی تهاجمی تیم ایران در تهران و خلق موقعیت‌های فراوان ترسیده بود، علاوه بر پرسینگ، با روش یارگیری تن به تن و فشرده، انصاری‌فر، کریمی و خلعتبری را از کار انداخته و رابطه آنها را چنان قطع کرده بودند که تقریباً فرصت‌های ایران را در بازی دوم به صفر رساندند و با این پاتک، هر تک ایران بی‌ثمر ماند و اگرچه برتری ایران بازم محسوس بود، اما شکست یک بر صفر برای مالدیو و مربی آرژانتینی‌اش یک موفقیت به شمار آمد.

چاره چیست؟

در بالا اشاره کردیم که بخت با فوتبال ما بار شده و در دیدارهای آینده جام جهانی 2014 ابتدا با حریفانی نه‌چندان قدر باید دست و پنجه نرم کنیم. اما این خوش‌باوری نباید چنان باشد که دست روی دست بگذاریم و حریفان را دست‌کم بگیریم که این در فوتبال امروز جهان که فاکتورهای زیادی در تغییر نتایج موثرند و اتفاقات و حادثه‌های ناباورانه را رقم می‌زنند، رسم هیچ مربی باتجربه‌ای نیست.

حالا که کرش ناچار است همه برنامه‌های آماده‌سازی خود را با اندونزی که در رده‌بندی فیفا جایی ندارد، اما ناشناخته است به یک اردوی 10، 12 روزه محدود کند، نباید از دعوت چهره‌های آزمایش پس‌داده‌ای چون نکونام، شجاعی (در صورت سلامت و آمادگی)، تیموریان، برهانی، مبعلی و ... بی‌تفاوت بگذرد. برگزاري ليگ برتر فرصت خوبی است تا دستیاران او به همه دیدارهای لیگ به خصوص بازیکنان ملی نگاهی دقیق و عمیق داشته باشند و حتی از درخشش بازیکنان جدید چشم بردارند.

کرش می‌تواند با تدابیری تازه و همنشینی با مربیان لیگ، دست یاری به سوی آنان دراز کند و از آنان بخواهد ترتیبی اتخاذ کنند که ملی‌پوشان خود را در همان پست ثابت و در حد لزوم در همان تاکتیک برگزیده تیم ملی به کار گیرند. لزوم گردآوری یکروزه و میان‌هفته و حداقل تشکیل یک کلاس تئوری و یک بازی ساده برای ملی‌پوشان شاید کمک موثری باشد برای ایجاد هماهنگی و صمیمیت بین بازیکنان که در چند پست جدید به تیم ملی پیوسته‌اند و هنوز با حرکات و پاس‌های بازیکنان کناری خود خو نگرفته‌اند.

رفتار غیرحرفه‌ای!

در 2 بازی آسان و یکطرفه با مالدیو، بخصوص در بازی برگشت که گروه داورې کره، قضاوت را بر عهده داشتند و از قضا بر نحوه داوری آنها بسیار ایراد وارد بود، تیم ایران که با همه اوصاف تیم برتر میدان بود چند تن از بازیکنان موثر و کلیدی تیم اخطار گرفتند و از همه بدتر در زمان‌هایی که بازی به سمت و سوی دقیق پایانی پیش می‌رفت، تعجب در این بود که چرا پس از 9 سال که در عمل فوتبال حرفه‌ای را تجربه می‌کنیم، هنوز رفتار حرفه‌ای را نیاموخته‌ایم و در عین برتری دست به خطاهای تکراری زده و با رفتارهای غیرحرفه‌ای، داور مسابقه را وادار به واکنش و استفاده از کارت زرد و قرمز می‌کنیم؟ آیا از انصاری‌فر، زارع، عقیلی و نوروزی باید عملی سر می‌زد که اخطار بگیرند و کرش را وادار به 2 تعویض اجباری کنند؟

پرویز زاهدی / جام‌جم